مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۷ ، بهار ۱۴۰۱، ص ۷۲-۵۹
http://www.jase.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال هشتم)
شماره ۲۷ / بهار ۱۴۰۱ / ص ۷۲-۵۹

# ضرورت و فایده مندی کثرت گرایی پارادایمی در علوم سیاسی

**حسن آرایش[۱]، سید یوسف حسینی راد[۲]، سید عباس حسینی راد[۳]**

[۱]دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران داشگاه شیراز، نویسنده مسئول مقاله

[۲]کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی گرایش مدیریت استراتژیک دانشگاه غیر انتفاعی پارس مهر

[۳]کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

نام نویسنده مسئول:
**حسن آرایش**

## چکیده

کثرت‌گرایی، جزء مفاهیم زیر بنایی است که از نیازهای اساسی انسان معاصر و جوامع امروزی، به شماره می‌رود. این جوامع با ایده‌ی سر و سامان دادن به زندگی خود و بر اساس پایه‌های مشترکی که دربر گیرنده‌ی پذیرش اختلافات و اعتراف به تنوع اندیشه‌ها و نگرش‌هایی است که شهروندان بانی آن بوده‌اند، به «کثرت گرایی» می‌اندیشند. از اینرو سوال اصلی این مقاله این است که آیا برای بررسی و تبیین یک پدیده اجتماعی یا سیاسی از یک روش واحد می‌توان استفاده کرد یا از چند روش پژوهشی مستقل و جداگانه؟

**واژگان کلیدی:** گثرت گرایی، پارادایم، علوم سیاسی، وحدت گرایی، کثرت گرایی روشی.

**مقدمه**

تا دو دهه قبل نزد بسیاری از صاحب نظران رادیکال در علوم اجتماعی کثرت گرایی (پلورالیسم) یک دشنام محسوب می‌شد. در آن زمان کثرت گرایی متعلق به یک سنت فکری خاص دانسته می‌شد و برچسپ محافظه کار بودن به آن می‌زدند (معینی علمداری، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

در دو قرن اخیر دو رأی متضاد در باب رابطه واقعی و خاص علوم اجتماعی و علوم طبیعی ابراز شده است. رأی اول عبارت است از طبیعت گرایی (naturalism) که می‌گوید علوم اجتماعی از حیث روش شناسی مانند علوم طبیعی اند. رأی دوم ضد طبیعت‌گرایی (antinaturalism) است که می‌گوید یک یا چند روش خصیصه در علوم اجتماعی هست که آن را از علوم طبیعی متمایز می‌سازد. (سروش، ۱۳۹۲: ۳۷۳).

عقلانیت علمی، پیوند تنگاتنگی با روش شناسی علمی دارد. نظریه های روش شناسی به نظریه های وحدت گرا و کثرت گرا تقسیم می‌شوند. وحدت و کثرت، یکی از مسائل مهم در تاریخ فلسفه سیاسی است. از اینرو سوال اصلی این مقاله این است که آیا برای بررسی و تبیین یک پدیده اجتماعی یا سیاسی از یک روش واحد می‌توان استفاده کرد یا از چند روش پژوهشی مستقل و جداگانه؟

**مفهوم کثرت گرایی**

کثرت گرایی یک چارچوب نظری ارائه می‌دهد که می‌تواند هم تبیین کننده نابرابری های اقتصادی – اجتماعی و هم پراکندگی فراوان قدرت و نفوذ باشد. این نظریه همچنین این توانایی را دارد تا برای اصلاح این وضعیت یعنی کاهش این نابرابری‌ها مساعدت و چونگی نفوذ و قدرت طبقات غیر ثروتمند را تبیین نمایند (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۳۳۵).

ویژگی اصلی و اساس کثرت گرایی، اعتقاد به تنوع و تفاوت است. کثرت گرایی قائل به تمایز و جدایی میان دولت و جامعه مدنی است، قائل به تفاوت میان قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی است و به وجود تنوع منافع در هر مسأله و موضوعی اعتقاد دارد. بر این اساس این نظریه، قدرت امری غیر انباشتی و پراکنده است. در نتیجه نقش دولت این است بجای تسلط بر جامعه در راستای منافع خاص، به تنظیم و کنترل ستیزهای اجتماعی بپردازد (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۳۳۲).

کثرت گرایان به دنبال این هستند که دریابند هر کسی چه می‌کند و چه کسی به اهدافش می‌رسد. محاسن این رویکرد عبارتند از: کثرت گرایی هیچ گونه پیش فرضی درباره چگونگی توزیع قدرت ندارد. امکان تشخیص عملی دارندگان قدرت و محرومین از آن وجود دارد کثرت گرایان با حذف مفاهیمی چون خودآگاهی نادرست، ایدئولوژی مسلط و استیلا (هژمونی) به یک نظریه قدرت دست

می‌یابند که به طور تجربی آزمون پذیر است. کثرت گرایان با ارائه تفسیری از جامعه و سیاست مدرن به شکل متفرق، متفاوت و دموکراتیک، توصیف دقیق‌تری از توزیع قدرت در مارکسیستها و نخبه گرایان پیشنهاد می‌کند (همان: ۳۳۹).

کثرت‌گرایان به علت روش اثباتی (پوزیتویست) خود، نقشی برای اندیشه‌ها در شکل دادن به سیاست‌ها قائل نشده‌اند. به عبارت دیگر آن‌ها بر رفتارهای مشاهده شدنی تمرکز نمی‌نمایند و بنابراین قادر به توجه به تأثیر ایدئولوژی بر رفتارهای سیاستگذاران، نیستند. عدم توجه کثرت گرایان به نقش ایدئولوژی باعث شده است تا آن‌ها چنین تصور نمایند که جامعه ای با اجماع بر سر ارزش‌ها وجود دارد. علاوه بر این، آن‌ها معتقدند که این اجماع نتیجه منافع مشترک بوده و از لحاظ سیاسی بی طرف است. اما به هر حال، این که تا چه حد در جامعه اجماع وجود دارد، امری مشخص نیست و حتی در جامعه ای که اجماع وجود دارد این اجماع بی‌طرف نیست و در جهت منافعی خاص می‌باشد (همان: ۳۴۱).

کثرت‌گرایی سیاسی یکی از زیر مجموعه‌های اندیشه کثرت گرایی به معنای واقعی کلمه است و دربر گیرنده‌ی کثرت گرای‌های فرهنگی، اجتماعی، زبانی و دینی نیز می باشد. به این صورت که تمام احزاب و جریانات سیاسی و فکری می توانند از دیدگاههای خاص خود حمایت کرده و در کارهای سیاسی از طریق ایجاد مؤسسات، ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته به خود، برای رسیدن به اهداف و ارزش‌های مطلوب و مدنظر، مشارکت فعال داشه باشند. نظریه «کثرت گرایی» اگر چه در خلال سالهای اخیر به پیشرفتهای مهمی رسیده اما هنوز به جایگاه واقعی خود ارتقاء نیافته است، اساسا" کثرت گرایی یعنی: لزوم وجود افکار و اندیشه های متفاوت، تعداد ارزشها و ضرورت وجود سازمانهای مختلف درون نظام سیاسی و گسترش رقابت میان آنها به گونه ای که در فعالیتهای فکری و سیاسی و اجتماعی، هیچ محدودیتی در مسیر رشد و فعالیت جریانات مختلف، جز التزام و پایبندی به قواعد و پایه‌های بازی دموکراسی، وجود نداشته باشد (طحان، ۱۳۸۱).

امروزه تکثرگرایی از واژگان پرکاربرد در فلسفه سیاسی است. در مباحث سیاسی، یکی از مسایل مهمی که مورد تأمل اندیشمندان سیاسی قرار گرفته، موضوع قدرت، نحوۀ توزیع آن، کیفیت رابطه حکومت با شهروندان و گروههای اجتماعی و میزان تأثیرگذاری آنها در فرایند تصمیم گیری سیاسی است. نظریه‌های متعددی در این مورد بیان شده، که در این میان، فرض اصلی کثرتگرایی، تکثر و تنوع در سیاست، که در قالب به رسمیت شناختن تفاوت اجتماعی فرهنگی و ایجاد سهولت برای متفاوت بودن تبلور می‌یابد. «پلورالیسم سیاسی» مفهوم نگرش و گرایش به کثرت، وفور، تعدد و افزایش کمی و کیفی احزاب، جمعیتها، انجمنها و تنوع آراء و عقاید در جهت مصالح جامعه و سرانجام، تکثر قدرت در همۀ زمینه‌ها به کار رفته است (قربانی، ۱۳۹۲: ۵۰). مفهوم

کثرت گرایی بیانگر مجموعه‌ی کاملاً متفاوت از اندیشه‌ها در علوم اجتماعی است که در ذیل به سه معنای مختلف آن به اختصار اشاره می‌کنیم.

کثرت‌گرایی در معنای نخست به الگوی نهادی جامعه پیشاصنعتی غیرغربی در حکومت‌های استعماری یا پسااستعماری مربوط می‌شود. جامعه‌ی متکثر مفهومی است که جی. اس. فرینوال (Furnivall,۱۹٤۸) معرفی کرد و سپس ان. کوپر و ام. جی. اسمیت (Kuper and Smith,۱۹٦۹ ) شرح و بسط بیش‌تری به آن دادند. در چنین جامعه‌ای گروه‌های اجتماعی بسته و خویش فرما پهلو به پهلوی هم زندگی می‌کنند، اما هر یک از آن‌ها موجودیت اجتماعی و اشتراکی جداگانه‌ای دارد. این گروه‌ها از بیرون به واسطه‌ی دولت و بازار به هم می‌پیوندند. این الگوی کثرت گرایی به معنای برابری وزن و تأثیر یا اهمیت این گروه‌ها نیست؛ بلکه نوعاً روابط سلسله مراتبی یا سلطه در این جوامع دیده می‌شود. این روابط اجتماع‌وار مانعی در راه توسعه‌ی دولت- ملت مدرن یا اقتصاد یکپارچه‌ی مدرن است (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲).

کثرت گرایی در معنای دوم، کثرت گرایی آمریکایی است که از دهه‌ی ۱۹۴۰ به صورت منظم‌تری نزد دانشمندان آمریکایی علوم سیاسی بسط و پرورش یافت. نظریه پردازان مهم کثرت گرایی عبارت بودند از تالکوت پارسونز (Parsons,۱۹٦۹) و دیوید ترومن (Truman,۱۹٥۱) دقیق‌ترین تقریر این نظریه را می‌توان در مقدمه‌ای بر نظریه‌ی دموکراتیک رابرت دال (Dahl, ۱۹٥٦) پیدا کرد. در تعبیر دال، کثرت‌گرایی به نظریه‌ی رقابت سیاسی پایدار و نسبتاً باز، و همچنین نظریه‌ی شرایط نهادی و هنجاری مقوم این رقابت سیاسی تبدیل شد. قدرت و نفوذ فقط در شرایط اجتماعی و سیاسی مشخصی پراکنده و توزیع می‌شود: مشارکت سیاسی باید دست کم به صورت بالقوه دربرگیرنده همه شهروندان بالغی باشد که از حقوق رسمی مشابهی برخوردارند؛ شکل‌گیری گروه‌های هم‌سودی که رقیب یکدیگرند و نیز احزاب رقیب و مستقل از کنترل دولت نباید به صورت سیستماتیک در انحصار یک گروه اقلیت درآید. به علاوه، اکثریت گروه‌های رقیبی که خواهان کنترل یا تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها هستند باید تابع هنجارهای فرهنگ سیاسی دموکراتیک باشند، یعنی باید گردش تصدی مقام و حق موجودیت سایر گروه‌ها و حد و مرزهای روش رقابت سیاسی را بپذیرند. کثرت گرایی غالباً به صورتی غیرانتقادی و به عنوان عذر و توجیهی برای حمایت از دموکراسی‌های غربی مورد استفاده قرار گرفته است. بهره گیری ایدئولوژیک از یک نظریه ممکن است به وضوح به ارزش تبیینی آن لطمه وارد کند. نظریه‌ی دقیق و مشخص کثرت گرایی ما را به درک این نکته قادر می‌کند که بسیاری از دموکراسی‌های غربی تا چه حد از نظام چند حکومتی تمام عیار فاصله دارند (همان).

کثرت گرایی در معنای سوم، کثرت‌گرایی انگلیسی است که به پراکنده ساختن قدرت دولت در حوزه‌های جداگانه و خودمختار اقتدار عقیده داشتند. به همین دلیل مخالفت شدیدی با مشروعیت نمایندگی دموکراتیک دولت متمرکز داشتند، یعنی با این ادعا که فقط چنین دستگاهی می‌تواند نماینده‌ی اراده‌ی مردم باشد و سایر دستگاه‌ها ناقص و منفعت‌طلب‌اند. خصوصاً کول بود که چالشی جدی برای این دیدگاه ایجاد و استدلال کرد که نمایندگی اراده‌های واقعی و بالفعل توده‌ی ناهمگون شهروندان غیرممکن است. کثرت گرایان منکر این بودند که جامعه می‌تواند نوعی اراده‌ی کلی به بار آورد و در مقابل ادعا می‌کردند که علایق و منافع شهروندان هم جزئی است و هم گونه گون. هرچند همه‌ی کثرت گرایان معتقد بودند که قدرت متمرکز دولت باید پراکنده شود و انجمن‌ها باید از بالاترین حد آزادی که با آزادی و اختیار دیگران سازگار است برخوردار باشند، اما درباره‌ی ماهیت قدرت عمومی در چنین نظامی اتفاق نظر نداشتند. خصوصاً کول به شدت حامی گذاشتن نظام دموکراسی کارکردی بر مبنای صنف‌های صنعتی به جای نظام دموکراسی نمایندگی بود. لاسکی از ترکیب نظام نمایندگی منطقه‌ای با خویش فرمایی کارکردی حمایت می‌کرد (همان).

### کثرت‌گرایی در تقابل با وحدت گرایی

وحدت‌گرایی در حوزهٔ سیاست در مورد اندیشه‌هایی به کار می‌رود که بر تمرکز قدرت سیاسی تأکید کرده و حق حاکمیت را منحصر به دولت و اراده آن می داند. در مقابل، کثرتگرایی بر تنوع منابع قدرت و توزیع آن میان گروه‌های رقیب اصرار می‌ورزد. در طول تاریخ، این دو جریان فکری سیاسی، طرفداران زیادی در میان فیلسوفان سیاسی داشته و هر کدام برای اثبات دیدگاه خود، استدلال‌های گوناگونی را بیان کرده‌اند به نظر می‌رسد، کمتر فیلسوف سیاسی را می‌توان یافت که اندیشه های او در چارچوب یکی از این دو جریان قابل طرح نباشد. با این حال، هر دو جریان به یک اندازه قابل نقد بوده و هر دو راه افراط در پیش گرفته‌اند. همین امر آنها را با چالش‌هایی در ساحت اندیشه و عمل مواجه کرده است (قربانی، ۱۳۹۲: ۴۷).

### وحدت‌گرایی:(Unitarianism)

وحدت‌گرایی یا یونیتاریانیسم در بُعد جامعه‌شناختی آن به معنای بودن یک مرکزیت ثقل واحد در عرصه‌های فرهنگ، سیاست، اقتصاد و علم است. وحدت‌گرایی در جامعه‌شناسی سیاسی ایدئولوژی انسجام‌بخش در دولت‌های ناسیونالیستی بوده است که البته ممکن است به حکومت‌های توتالیتر منجر شود. وحدت‌گرایی آدمی تنها در بعد کمال‌گرایی او نیست؛ بلکه از هر بعدی که به پهنه برون متوجه می‌شود، می‌خواهد وحدت‌هایی را کشف کند و با آنها وحدت نسبی را با راهکارهای مناسب به وحدت عالی‌تر برساند (جعفری، ۱۳۸۹ : ۱۱۷-۱۱۱). از سوی دیگر، وحدت‌گرایی یا مونیسم، دیدگاه فلسفی است که می‌گوید همه چیز موجود در جهان

هستی سرانجام از یک جوهره سرشته شده‌اند و همه پدیده‌ها تنها نمودایی از یک جوهر واحد هستند (مطهری نسب و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۱).

روش شناسان و فیلسوفان سنت تجربی فلسفه علم معمولاً به نظریه های وحدت گرایانه گرایش دارند. آنها علم ررا دارای ارزش واحد و قابل کاربرد عام و یکسان در رشته های گوناگون می‌دانند. علم از دیدگاه آنها در سراسر تاریخ پیشرفت تحول خود پیوسته از روش پژوهشی واحدی پیروی کرده و آن را به طور یکسان و ثابت در شاخه های مختلف علمی به کار برده است (فتحی زاده، ۱۳۸۷: ۳۱).

تأکید بسیار وحدت گرایان روش شناختی بر نقش داده های مشاهده ای در هر دو مورد پذیرش، خواه به سبب تأییدی تجربی و خواه بهه سبب سربلندی اش در آزمون سخت و مهلک، بیانگر دغدغه بسیار آنها برای حفظ عینی ارزیابی ها وگزینش ها و داوری های علمی است (همان: ۳۱). رویارویی روش شناختی وحدت گرایانه با پاره ای از مشکلات بنیادی از جمله معضل مبنای تجربه، نظریه بار بودن مشاهده های تجربی، قطعیت نیافتگی نظریه ها از سوی داده های تجربی، به ویژه ناسازگاری مدل های تجربی روش شناختی با گزارش و داده های تاریخی سبب گرایش برخی از روش شناسان به رویکرد تاریخی و کثرت گرایانه شد. کثرت گرایان روش شناختی در اندیشه وجود یک روش علمی ثابت و یکسان در سراسر تاریخ علم تردید کردند و شیوه کار علمی را در دوره های تاریخی مختلف و ئر زمینه های نظری متفاوت و رشته های علمی گوناگون، یکسان و واحد ندانستند. آنان بر خلاف سنت تجربی، تنوع و گوناگونی روش شناسی علمی در سرتاسر تاریخ علم و میان شاخه ها و رشته های مختلف علمی را شدنی و مقبول می‌دانند و از کثرت و تعدد قواعد روش شناختی برای ارزیابی نظریه های علمی جانبداری می‌کنند. این قواعد روش شناختی ممکن است در برنامه های زمانی مختلف و رشته های علمی گوناگون یکسان نباشد و هر آیینه امکان دارد قواعدی جدید به میدان آیند و قواعد قدیمی از میدان بیرون روند، قاعده روش شناختی ممکن است به شیوه های متعدد در رشته های علمی متفاوت به کار روند و دانشمندان آنها را به گونه‌ای مختلف تفسیر کنند. وانگهی چون همواره قواعد متکثر و متنوعی وجود دارند، دانشمندان ممکن است در ارزیابی نظریه های علمی رقیب بر قواعد مختلف تأکید کنند. از اینرو کثرت گرایان روش شناختی، علم را در بر دارنده مجموعه ای از قواعد و معیارهای ارزیابی نظریه های علمی می‌دانند و عقلانیت و عینیت گزینش و داوری نظریه ها بر پایه برداشت تجربی از فلسفه علم و پذیرش روش علمی ثابت را خرسندناپذیر و غیر واقع گرایانه می‌انگارد و هر گونه کوششی برای توجیه و تبیین چنین عقلانیت و عینیتی را ناکام می‌پندارد (همان: ۳۳).

**کثرت‌گرایی:(pluralism)**

دو نوع کثرت‌گرایی وجود دارد: کثرت‌گرایی وجودشناختی و کثرت‌گرایی معرفتی. کثرت‌گرایی وجودشناختی از تنوع چیزی در عالم واقع خبر می‌دهد؛ برای مثال، وقتی از تنوع ادیان، به معنای خبردادن از این واقعیت سخن گفته می‌شود که ادیان متعددی در عالم وجود دارند، درحوزۀ کثرت‌گرایی وجودشناختی سخن گفته می‌شود؛ اما در کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی تنها از وجود انواع سخن سخن گفته نمی‌شود؛ بلکه از ارجح‌نبودن معرفتی انواعی از عقاید بر یکدیگر نیز سخن گفته می‌شود؛ برای نمونه، وقتی از یکسان‌بودن ادیان در حقانیت سخن گفته می‌شود، درحوزۀ کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی سخنی گفته شده است. توجه به این نکته در تمایز این دو نوع کثرت‌گرایی بسیار مهم است. باید دقت داشت حتی اگر بحثی معرفتی مطرح شود، اما از وجود فهم‌های مختلف سخن به میان آید، اگرچه در حوزۀ معرفتی است، کثرت‌گرایی ما کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی نیست؛ بلکه از نوع کثرت‌گرایی وجودشناختی است؛ زیرا تنها از وجود فهم‌های متنوع خبر داده است، بدون هیچ‌گونه ارزش داوری درباره آنها. بدین ترتیب، کثرت‌گرایی در هر نظریۀ مدعیِ وجود چیزهایی متعدد یا وجود انواع متعدد از چیزها کاربرد دارد؛ بدین معنا، کثرت‌گرایی در مقابل وحدت‌انگاری (مونیسم) است (مطهری نسب و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۱).

از دیدگاه کثرت‌گرایان انسان ها نه ذرات منزوی و پراکنده و نه مخلوق دولت نیرومند متمرکز هستند از این دیدگاه انسان ها موجوداتی اجتماعی‌اند که به اختیار و انتخاب خود در چارچوب گروه ها زندگی می کنند کثرت گرایی (Pluralism) نظریه ای است که بر مبنای آن تعداد زیادی از گروه ها و سازمان ها یک کشور را اداره می کنند. این سازمان ها عبارتند از اتحادیه های کارگری، انجمن های تخصصی، طرفداران محیط زیست، فعالان حقوق بشر و شهروندی، لابی های تجاری و مالی و جمعیت های رسمی و غیررسمی مرکب از شهروندانی که افکار و دیدگاه های یکسانی دارند. این گروه ها و سازمان ها در تدوین و اجرای قوانین و سیاست ها تاثیرگذار هستند. از آنجایی که مشارکت کنندگان در این فرآیند تنها بخش کوچکی از جمعیت یک کشور را تشکیل می دهند، دیگر افراد جامعه تنها تماشاگران این نمایش محسوب می شوند. البته باید پذیرفت که درجهان امروز و در قرن بیست و یکم امکان جمع شدن مردم در میدان اصلی شهر و اعمال دموکراسی مستقیم ممکن نیست اما آیا نخبگانی که در قالب گروه های مختلف تاثیرگذار بر سیاست های دولت فعالیت دارند، می توانند حامی منافع اکثریت حاشیه نشین باشند؟ آنچه مسلم است یکی از مهم ترین مفاهیم در هر گفتمان سیاسی مفهوم «دولت» است. در جهان معاصر مشکل می توان زندگی را بدون دولت تصور کرد. وجود دولت نه تنها مبین وجود مجموعه ای از نهادهاست بلکه حاکی از وجود نگرش ها و شیوه های عمل و رفتاری است که مدنیت خوانده می شود. از دیدگاه کثرت گرایان انسان ها نه ذرات منزوی و پراکنده و نه مخلوق دولت نیرومند متمرکز هستند. از این دیدگاه انسان

ها موجوداتی اجتماعی‌اند که به اختیار و انتخاب خود در چارچوب گروه ها زندگی می کنند. مقام و شأن حقوقی و اجتماعی آنها نباید مورد دست اندازی و دخالت قدرت حاکم قرار گیرد. همچنین به نظر کثرت گرایان افراد طبعاً به گروه های مختلفی تعلق دارند که خود دارای علایق و منافع متعارض یا متداخل اند. این تعلقات خود زمینه لازم برای آزادی را فراهم می آورد زیرا افراد را در برابر تعهدات و انتخاب های گوناگون قرار می دهد. بدین سان جامعه کثرت گرا مدعی ایجاد سازش میان علایق گوناگون افراد بدون مخدوش کردن آنهاست. در چنین جامعه ای گروه ها نه از طریق قدرتی برتر بلکه به واسطه گفت وگو با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. در این جامعه، حکومت مرکزی قدرت حاکمه مسلط یا قدرتی برتر در بین قدرت های موجود محسوب نمی شود بلکه وظیفه اساسی اش گفت وگو با گروه های گوناگون است (حقیقی راد، ۱۳۸۶).

آزادی به عنوان مهم ترین ارزش در حوزه تشکل و همبستگی سیاسی، جزیی از نظریه کلی کثرت گرایان درباره دولت است. همه کثرت گرایان در این خصوص اتفاق نظر دارند که آزادی تنها در زمینه وجود تعداد کثیری از گروه ها قابل تحقق است و جامعه نیز بر اساس انسجام و همبستگی شکل گرفته و بازتولید می شود. به اعتقاد آنها زندگی گروهی بهتر می تواند از آزادی فرد پاسداری کند. از این رو، کثرت گرایان بهترین دولت را دولتی می دانند که آزادی را به حداکثر ممکن برساند. کثرت گرایان برخلاف لیبرال ها استدلال می کنند که آزادی بدین معنا تنها در متن فعالیت گروه‌های نیمه مستقل گوناگون محقق می شود. بنابراین کثرت گرایان در برابر تمایلات خردکننده دولت مقاومت کرده اند. نظریه کثرت گرایی در اصل به عنوان واکنشی منفی نسبت به نظریه وحدت گرایانه دولت پیدا شد. از همین رو یافتن دیدگاه واحد و منسجمی درباره دولت در آن دشوار است. روشن ترین مفهومی که می توان درباره دولت در نظریه کثرت گرایان یافت این است که دولت دربردارنده تنوع گروه ها به طور کلی است. در این معنا دولت (State) از حکومت (Government) متمایز می شود. در حالی که ملت شامل شهروندان است، دولت «زبان» ملت و نماینده وحدت و سازمان یافتگی شهروندان است. در مقابل، حکومت سازمانی است که اراده شهروندان را که از طریق دولت اعلام می شود، به صورت جزء به جزء اجرا می کند. اقتدار حکومت ناشی از دولت است که وظایف آن را تعیین می کند. دولت در کامل ترین معنای خود در واقع مجموعه گروه های نسبتاً مستقل و خودمختاری است که پدیده واحدی را به وجود می آورند. در واقع می‌توان گفت که کثرت‌گرایان همگی درباره مفید یا مضر بودن دولت اتفاق نظر کامل ندارند اما به عنوان یک پارادایم غالب در گفتمان کثرت گرایانه دولت نهادی است که از مجموعه گروه های مختلف یک جامعه تشکیل یافته و به همین دلیل در جهت خیر جمعی افراد جامعه حرکت خواهد کرد. (همان).

**کثرت گرایی روشی**

حکم کثرت روش‌شناسی در صورتی برقرار است که پای معرفت شناسی مابعد اثباتی(غیراثباتی) در میان باشد این شرط یک نکته اساسی را که همان نگاه "پارادایماتیک" نگارنده به موضوع است به طور ضمنی آشکار می‌سازد. اما طرح این پیش شرط برای این هدف اصلی است که متذکر ضرورت نفی قطعیت اثبات گرایانه مندرج در روش شناسی های کمی و همزمان نفی نسبیت ضد اثبات گرایانه یا پست مدرن مندرج در روش شناسی های کیفی شویم .به عبارت دیگر، این مقاله در خصوص قطعیت و عینیت نگاه اثباتی و روش های کمی از یکسو و نسبیت و ذهنیت نگاه ضد اثباتی و روش های کیفی از سوی دیگر به یک اندازه هشدار داده و خطرات آن را گوشزد می نماید. هر دو اردوگاه مخاطب هستند و به یک میزان به موضعی متعادل و قابل دفاع به نام کثرت معرفتی (epistemic pluralism) دعوت می‌شوند. (مهر محمدی، ۱۳۹۱: ۲۸). کثرت گرایی روش شناختی رهیافتی است که می‌تواند با حفظ زمینه بندی معرفت و کثرت گرایی معرفت، جهان شمولی قوانین علوم را حفظ کند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۶۵).

مفهوم کثرت گرایی روشی چندین ویژگی دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱-عقلانیت غیر الگوریتمی: انتخاب غیر عقلانی میان نظریه های علمی رقیب و ناسازگار نمی‌تواند تابع یک شیوه تصمیم گیری الگوریتمی باشد.

۲- قواعد چند گانه: دانشمندان از روش شناسی گوناگون برای ارزیابی نظریه ها و انتخاب عقلانی میان نظریه های رقیب و جایگزین شونده استفاده می کنند.

۳- تعارض قواعد

۴- نقص پذیری: قواعد روش شناختی به طور جداگانه و منفرد قابل نقص و ابطالند (فتحی زاده، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۶).

دکتر مهر محمدی در مقام تبیین معنای سومی برای معرفت یا شرح مفهوم سومی از حقیقت برا فائق آمدن بر کمی گرایی و کیفی گرایی صرف برآمده است. بر این اساس سه گانه‌ها نشان می‌دهند که گریز از «قطعیت» موعود و البته موهوم کمی گرایی، یعنی نتایج و یافته ها را قطعی و نهایی تلقی کردن یا در حوزه ها و رشته های عملی مانند تعلیم و تربیت آنها را الهام بخش رفتارها و کنشهای قرین با موفقیت قطعی دانستن، نباید به پناه ناگزیر به «نسبیت» و هیچ انگاری در لوای پژوهش کیفی بینجامد .بلکه وضعیت سومی به نام «کثرت» نیز متصور است و باید به عنوان پناهگاه کیفی گرایان به رسمیت شناخته شود. از اینرو می توان گفت کثرت، مفهومی است با فاصله مساوی از قطعیت و نسبیت و با ملاک و معیار حقیقت و معرفت ملازمت دارد. بر اساس این ملاکهاست که می‌توان

روایت های خلاف واقع از حقیقت از روایت های واقع نما، نه منطبق با واقعیت، باز شناخت .تا این بازشناسی اتفاق نیفتد، البته تمایزی میان کثرت و نسبیت وجود نخواهد داشت (مهر محمدی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۳). در جدول ذیل به مقایسه سه گانه های مهم روش شناختی می‌پردازیم.

ویژگی سه گانه ها

| قطعیت | کثرت | نسبیت |
|---|---|---|
| **واقع گرایی خام، عین گرایی مطلق** | **واقع گرایی انتقادی/استعلایی، درهم آمیختگی عینیت و ذهنیت** | **پرسپکتیویزم یا منظرگرایی، ذهن گرایی مطلق** |
| **حقیقتی هست. به چنگ آوردن قطعی و نهایی آن هم میسر است** | **حقیقتی هست. اما فهم‌های ما معرف تلاش هایی است برای به چنگ آوردن فهم‌های ممکن و ابطال پذیر، تقریب های واقع‌نما از حقیقت** | **حقیقتی نیست (براندازی حقیقت) فهم ها هم ارز و هم عرض اند. بهره فهم‌ها از حقیقت به یک اندازه است و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد** |
| **تک گویی /تک صدایی** | **چند صدایی** | **هم همه، های و هویی، همه گویی** |
| **جزمیت معرفتی** | **تسامح معرفتی** | **ولنگاری و شلختگی معرفتی** |
| **عقلانیت جزیی نگر /خرد علمی** | **عقلانیت کل نگر/عقلانیت انتقادی** | **وانهادن یا تعطیلی عقل** |
| **روشمندی غیر منعطف (الگوریتمیک) و مستقل از پژوهشگر** | **روشمندی منعطف (هیوریستیک) و متاثر از پژوهشگر** | **نا روشمندی** |
| **نگرش انحصارگرایانه و مطلق انگارانه به محصول یا یافته‌های پژوهش** | **تدارک تبیین های چندگانه و شکستن انحصار** | **هرج و مرج به نام شکستن انحصار** |
| **تنها یک روایت صحیح از واقعیت، در برابر روایت های متعدد ناصحیح وجود دارد.** | **روایت های باورپذیر متعدد از واقعیت وجود دارد، در برابر روایت های نابسنده « نسبیت معیارپذیر»** | **روایت های کثیر و نامحدود از واقعیت وجود دارد، هیچ روایت ناصحیحی متصور نیست. «نسبیت لجام گسیخته و معیارگریز»** |
| **امکان تفاهم مطلق بر روی آنچه واقعیت دارد، قیاس پذیری** | **امکان تفاهم موقت بر روی آنچه واقعیت دارد، قیاس پذیری** | **عدم امکان تفاهم بر روی آن چه واقعیت دارد، قیاس ناپذیری** |

(همان: ۳۵).

مشکل اصلی در بررسی کثرت گرایی این است که یک نظریه واحد کثرت گرایی وجود ندارد. کثرت گرایی به طور خود آگاهانه غیر تئوریک بوده و لذا مفروضاتش پنهان است و این باعث سرگردانی میان کثرت گرایان و منتقدانشان درباره این که کثرت گرایی چیست و چه هدفی دارد گردیده است. نظریه کثرت گرایی نظریه‌ای توصیفی، تجویزیو هنجاری است. همچنین کثرت گرایی، نظریه ای است که از محیط تاریخی و اجتماعی خود تاثیر فراوان گرفته است. این نظریه در یک نظام خاص توسعه یافته و مطابق موقعیت های سیاسی و اجتماعی تحول یافته است (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۳۵۷).

اشکال اساسی دیگر کثرت گرایی این است که جنبه معرفت شناختی و روش شناختی دارد. هر چند کثرت‌گرایان قادر هستند تا اغلب به شکل تجربی به نشان دادن موارد بپردازند، اما تمرکز آن‌ها بر امور مشاهده شدنی، باعث شده تا آن‌ها از توجه به مسائل ساختاری و ایدئولوژیک که مشاهده شدنی نیستند، باز بماند. اشکال کثرت گرایی در این نیست که معتقد به پراکنده بودن قدرت است، بلکه در این است که نمی‌تواند زمینه ای که تصمیمات در آن گرفته می‌شود و طریقه ای که این تصمیمات برخی از این منافع را به برخی دیگر ترجیح می‌دهد نشان نشان دهد (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۳۵۸). اعتقاد واقعی به کثرت گرایی مستلزم تساهل سیاسی نه تنها در سطح خرد ملی بلکه در سطح کلان بین المملی است. تجربه سالهای اخیر حاکی از ان است که جوامع غربی حتی در درون خود نتوانسته اند به یک سازش و توافق کلی پیرامون تحمل رفتارهای متفاوت برسند (قوام، ۱۳۸۴: ۸۲).

**منابع و مآخذ**

آوتوِیت، ویلیام، تام باتامور، ؛ (۱۳۹۲)، **فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم**، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ اول

جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۲)، **تحقیقی در فلسفه علم، تهران**، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.

حقیقی راد، بابک، (۱۳۸۶)، **کثرت گرایان و دولت**، قابل دسترس در سایت:

http://www.aftabir.com/articles/view/politics/political_science/c۱c۱۱۸٤۸٤۷٥۲٦_pluralism_p۱.php/کثرت-گرایان-و-دولت(۱۳۸٦/۰٤/۲۸).

طحان، مصفطی محمد، (۱۳۸۱)، **چالش های سیاسی جنبش اسلامی معاصر ترجمه**، خالد عزیزیف، نشر احسان.

فتحی زاده، ذهن، (۱۳۸۷)، کثرت گرایی روش شناختی و واقع‌گرایانه علمی، **مجله ذهن**، شماره ۳۳، صص ۷۲-۲۹.

فرامرز قراملکی، احمد، (۱۳۸۳)، از کثرت گرایی تا جهان شمولی معرفت، **فلسفه مقالات و بررسیها**، دفتر ۷۶، صص ۶۷-۵۳.

قربانی، مهدی، (۱۳۹۲)، وحدتگرایی و کثرتگرایی؛ دو جریان اصلی در تاریخ فلسفه سیاسی، **معرفت سیاسی**، سال پنجم، شماره دوم، صص ۶۸-۴۷.

قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۲)، **چالشهای توسعه سیاسی**، تهران، نشر قومس

لیتل، دانیل، (۱۳۹۲)، **تبیین در علوم اجماعی؛ درآمدی به فلسفه علم اجتماع**، ترجمه عبدالکریم سروش، انتشارات صراط

مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۸)، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مطهری نسب، مسعود و دیگران، (۱۳۹۶)، خوانش تمدنی بر الهیات مسیحی و الهیات اسلامی با تأکید بر وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی، **مجله الهیات تطبیقی**، دوره ۸، شماره ۱۷، ۱۷۴-۱۵۷.

معینی علمداری، جهانگیر، (۱۳۸۰)، معرفی و نقد کتاب کثرت گرایی، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال سوم، شماره نهم، صص ۲۹۳-۲۸۳.

مهر محمدی، محمود، (۱۳۹۱)، کثرت روش شناسی پژوهش: افول پوزیتیویسم یا مرگ حقیقت؟، **پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت**، سال ۲، شماره ۱، صص ۴۶-۲۷.